

حق تعالی فرمود که عابد را بگویی که تا چند جان بقیه کنی
طایفه تو شایسته حضرة ما نیست هر چند که خواهی میکنی
موسی چون بازگشت عابد بر در صومعه ایستاده بود
موسی علیه السلام آنچه از حضرة عزه جل و علا شنیده بود
برسایند بر عابد مانی سر در پیش افکند بعد از آن گفت
یا موسی من بنده ام و مرا بندگی میباید کرد و او خداوندی
هرگز خواهد بخواند و هرگز خواهد براند مرا تا نفسی
باقی بود از بندگی کردن باز نیایم چون مرا آفرید و راه
خود مرا نمود و امر کرد بعبادة که ما بندگی کنیم و او خدا
پر موسی علیه السلام ازین جواب نوحه نمود و برفت **تاریخ**
دیگر در مقام مناخه بود حق تعالی فرمود یا موسی پیغام ما
نشان بنده رسانیدی گفت بلی یارب فرمود او چه گفت او
میگوید من بنده ام مرا بندگی میباید کرد و او خدای
او علم و حکمت او داند حق تعالی فرمود ای موسی
ما بهشت جاوید و لقای با بقای خود بعبودت این نیت

جاذبه

جازمه میدهیم با وجود دست زد ما بروی زدیم و او
قطعا از نیت خود بر نکشت و ثبات قدم نمود پس او را از
سلام رسان که بدین نیت و ثبات قدم که نمودی ما جای تو در
بهشت کردیم بفضل خویش چون موسی علیه السلام مراجعت
فرمود آن عابد را دید هزار باره از اول در طایفه مجذوبان
موسی ملامت نمود راه نداده بود پس موسی فرمود که خدای تعالی
ترا سلام میرساند که بدین ثبات و نیت و عنایت که نمودی ترا
قبول کردیم و در بهشت جای تو راست کردیم خاطر خوشتر
راهد تسمی کرد و گفت این نیت و ثبات هم عطی اوست من
مسکین بخود چه میتوانم کرد این بگفت و ششقه زد و روح
حق تعالی تسلیم کرد موسی علیه السلام در بالین وی رفت دید
که وفاته کرده بود بدانست که خدا او را بندگان مشتاق هست
سیر بدین او مشغول شد تا بدانی که در نیت ثابت قدم میباید
بود و در اوقات شریفه از خدای تعالی این میباید طلبید
در معنی اهدنا الصراط المستقیم ثبات خواسته براه